



سه شنبه- ۵ آبان ۱۴۰۵- سال دوازدهم- شماره ۲۶۲۰

۲ راهبردی

گفت و گو

رئیس مرکز ثبت، حفظ و احیای میراث فرهنگی و طبیعی کشور در گفت و گو با سر آمد:

میراث کاسپین در انتظار ثبت جهانی

رئیس مرکز ثبت، حفظ و احیای میراث فرهنگی و طبیعی کشور از ورود ارزیاب ایکوموس برای بررسی پرونده ثبت جهانی ماسوله خبر داد و گفت: پس از انجام اقدامات اصلاحی و رفع نواقص اعلام‌شده در بررسی‌های پیشین، قرار است ارزیاب در بازدید میدانی، شرایط این پرونده را بررسی و جمع‌بندی‌های لازم را انجام دهد.
علیرضا ایزدی در گفت‌وگو با اقتصاد سرآمد از ورود ارزیاب ایکوموس برای بررسی پرونده ثبت جهانی ماسوله خبر داد و گفت: پس از انجام اقدامات اصلاحی و رفع نواقص اعلام‌شده در بررسی‌های پیشین، قرار است ارزیاب در بازدید میدانی، شرایط این پرونده را بررسی و جمع‌بندی‌های لازم را انجام دهد.

رئیس مرکز ثبت، حفظ و احیای میراث فرهنگی و طبیعی کشور با اشاره به روند آماده‌سازی پرونده ماسوله اظهار کرد: این پرونده چند سال پیش مطرح شد، اما در نشست ارزیابی، ایرادها و نواقصی درباره آن اعلام شد که طی سه سال گذشته، اقدامات لازم برای رفع آن‌ها انجام‌شده است. وی در ادامه افزود: یکی از موضوعات مطرح‌شده در بررسی‌های پیشین، انجام کاوش‌های مشترک با کشوری غیر از ایران بود که در همین راستا، هیئتی از چین به ایران آمد و بخشی از کاوش‌ها را انجام داد.

این مقام مسئول در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، همچنین پرسش‌هایی درباره برخی مباحث مربوط به قدمت این روستای تاریخی در پرونده مطرح شده بود که برای پاسخ‌گویی به این موارد نیز اقدامات لازم انجام شد و مستندات مربوطه آماده شده است.

وی با اشاره به زمان‌بندی سفر ارزیاب تصریح کرد: قرار بود ارزیاب حدود یک تا دو ماه پیش به ایران سفر کند و حدود ۴۰ روز پیش نیز زمان ورود وی مطرح بود اما این سفر به دلیل مسائل امنیتی به تأخیر افتاد؛ شب گذشته ارزیاب وارد ایران شد تا همراهی‌های لازم برای بازدید میدانی از ماسوله انجام شود.

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

پول مدرن در بوته نقد

از خلق بدهی تابازیابی نظام انگیزشی زکات و ربا



چالش دوم: نظام انگیزشی مبتنی بر بهره
دومین چالش بنیادین، نظام انگیزشی حاکم بر جریان پول است. در اقتصاد متعارف، دو سازوکار اصلی برای به جریان انداختن پول در مسیرهای مولد اقتصادی وجود دارد: نخست، نیازهای مصرفی افراد و دوم، نظام مبتنی بر بهره که جایزه‌ای است برای قرض‌دهندگان که از مصرف فعلی خود صرف‌نظر کرده و ریسک قرض‌گیرنده را پذیرفته‌اند. این نظام انگیزشی، از یک سو، پس‌انداز را پاداش می‌دهد و از سوی دیگر، تخصیص منابع را به سمت پروژه‌های دارای بازده هدایت می‌کند. اما از منظر ادیان آسمانی، «جایزه گرفتن به خاطر وام دادن» ربا نامیده شده و مصداقی از ظلم قلمداد شده است. در اینجا دوگانه‌ای تصویر می‌شود که اقتصاد مدرن باید میان آن دو یکی را انتخاب کند: پذیرش بهره و به جریان انداختن پول در اقتصاد برای رشد اقتصادی، یا حرام دانستن بهره و به جان خریدن عدم بهیئگی تخصیص منابع. اقتصاد مدرن، راه نخست را انتخاب کرد.

پرسش اساسی این است که آیا این دوگانه، واقعی است یا راه سومی نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد دوگانه مذکور، بیش از آنکه یک ضرورت منطقی باشد، محصول چارچوب نهادی خاصی است که در آن، بهره تنها سازوکار انگیزشی ممکن تلقی می‌شود. اگر چارچوب نهادی حاکم بر نظام پولی تغییر کند، می‌توان نظام انگیزشی دیگری را تصور کرد که هم از لغزش اخلاقی ربا پرهیز کند و هم کارکرد تخصیصی خود را حفظ نماید. این همان راه سومی است که سنت اسلامی و برخی اندیشمندان غیرمسلمان، هر یک از زاویه خود، به آن اشاره کرده‌اند.

مرور تلاش‌ها: از پول فلزی تا رمزارداری

در راستای حل چالش نخست، برخی محققان حوزه پول اسلامی، با عدم درک صحیح از ماهیت چالش و رویکرد اسلام نسبت به آن، به سراغ تغییر شکل پول و بازگشت به پول فلزی رفته‌اند. این رویکرد، اگرچه در ظاهر با حساسیت اسلامی به تمایز پول و بدهی همسو به نظر می‌رسد، اما در عمل، هزینه‌های اقتصادی سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌کند و با واقعیت‌های اقتصاد مدرن سازگار نیست. در مقابل، برخی دیگر از محققان با درک ریشه‌ای چالش، پیشنهاد داده‌اند که حساب افراد نزد بانک مرکزی افتتاح شود و بانک‌های تجاری صرفاً بتوانند این وجوه را نقل‌وانتقال دهند و دیگر نتوانند برای خود خلق بدهی کنند. این پیشنهاد، که شباهت‌هایی با ایده «پول باریک» یا «بانکداری ذخیره کامل» دارد، مرز میان پول و بدهی را بازمی‌گرداند و کنترل سیاست‌گذار پولی بر حجم نقدینگی را تقویت می‌کند. همچنین به نظر می‌رسد می‌توان از ظرفیت رمزارایی‌ها، به ویژه رمزارایی‌های بانک مرکزی، در حل این چالش استفاده کرد؛ زیرا این ابزارها امکان رصد دقیق جریان پول و اعمال محدودیت‌های نهادی را فراهم می‌آورند. در زمینه چالش دوم، متأسفانه تلاش بسیاری از محققان مسلمان برای حذف ربا از اقتصاد، به تغییرات صورتی در شکل

قراردادها منتهی شده است. این رویکرد، که گاه با عنوان «حیل ربا» شناخته می‌شود، به جای تغییر منطق انگیزشی، صرفاً پوششی قراردادی بر همان سازوکار بهره می‌کشد و در نتیجه، روح حرمت ربا را نقض می‌کند. در مقابل، برخی چهره‌های غیرمسلمان همچون سیلویو گزل، با نگاه کارکردی به بهره، تلاش کردند با تغییر چارچوب نهادی حاکم بر نظام پولی، نظام انگیزشی دیگری را بر جریان پول حاکم کنند. بر اساس این دیدگاه، به جای آن که به قرض‌دهنده به خاطر قرض‌دادنش جایزه بدهیم، کسی را که پولش را قرض نمی‌دهد از طریق وضع مالیات بر مانده‌های پولی جریمه می‌کنیم. این ایده، که با عنوان «پول مستهلک‌شونده» یا «پول با نرخ بهره منفی» شناخته می‌شود، پول را از ابزار ذخیره ارزش صرف خارج کرده و آن را به جریان می‌اندازد.

واقعیت این است که ایده پول مستهلک‌شونده، از قرن‌ها پیش در تعلیم اسلامی وجود داشته است. وجوب زکات بر نقدین در کنار تحریم ربا، دو بال انگیزشی حاکم بر نظام پولی اسلام است که می‌تواند جایگزین نظام انگیزشی پول مدرن شود. زکات، با وضع مالیات بر مانده‌های پولی، انگیزه احتکار و کنز را از میان می‌برد و پول را به گردش درمی‌آورد؛ و ربا، با ممنوعیت جایزه گرفتن به خاطر وام دادن، از شکل‌گیری رانت مالی جلوگیری می‌کند. ترکیب این دو نهاد، نظام انگیزشی متوازنی را پدید می‌آورد که هم کارکرد تخصیصی دارد و هم از لغزش‌های اخلاقی مصون است. آنچه در این میان مغفول مانده، همین ظرفیت فراموش‌شده سنت اسلامی است که می‌تواند در قالب نهادهای مدرن بازخوانی شود.

نقشه راه: گذار به پول مطلوب

برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود که هر یک، بخشی از چالش‌های مذکور را هدف می‌گیرد. نخست، تبدیل پول الکترونیکی به رمزارایی‌های بانک مرکزی، که امکان رصد دقیق جریان پول و اعمال محدودیت‌های نهادی را فراهم می‌آورد. دوم، جایگزین کردن تدریجی پول‌های مستهلک‌شونده الکترونیکی به جای پول‌های فیزیکی موجود، برای آن‌که قابل رصد و اخذ مالیات باشند. سوم، ایجاد سازوکاری که تضمین کند «خود پول» و نه «بدهی»، به عنوان ابزار پرداخت به کار می‌رود؛ این سازوکار با اصرار بر عنصر قبض و اقباض پول در پرداخت‌ها محقق می‌شود. چهارم، وضع مالیات بر مانده‌های پولی در دوره‌های زمانی یک‌ماهه از پول‌های غیرفیزیکی، که همان منطق زکات را در قالب مالیات تنظیمی بازتولید می‌کند. پنجم، اصلاح نظام مالیاتی و جعل مالیات‌های تنظیمی برای جلوگیری از فرار از مالیات بر مانده‌های پولی. و ششم، ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای استفاده از پول جدید، مثلاً اعطای یارانه در قالب پول‌های جدید که فروشندگان را ترغیب به پذیرش این نوع پول کند.

این راهکارها، اگرچه در نگاه نخست فنی و تخصصی به نظر می‌رسند، در واقع بیانگر یک منطق نهادی منسجم هستند: بازگرداندن تمایز پول و بدهی، جایگزینی انگیزش ربا با انگیزش زکات، و استفاده از ظرفیت فناوری‌های نوین برای اجرای این منطق. آنچه در این میان اهمیت دارد، تدریجی بودن گذار و توجه به هزینه‌های تعدیل است؛ زیرا تغییر چارچوب نهادی حاکم بر نظام پولی، بدون آماده‌سازی زیرساخت‌های فنی و نهادی، می‌تواند به ناپایداری و اختلال در پرداخت‌ها منتهی شود.

نتیجه‌گیری

پول مدرن، با دو چالش بنیادین روبه‌روست: تبدیل بدهی به ابزار پرداخت و نظام انگیزشی مبتنی بر بهره. سنت اسلامی، با تأکید بر شرط قبض و ممنوعیت پرداخت رسید به جای پول، چالش نخست را از طریق محدودیت‌های نهادی مهار کرده است؛ و با ترکیب تحریم ربا و وجوب زکات بر نقدین، نظام انگیزشی جایگزینی را عرضه کرده که هم کارکرد تخصیصی دارد و هم از لغزش اخلاقی مصون است. آنچه در طول قرن‌ها مغفول مانده، همین ظرفیت فراموش‌شده است که می‌تواند در قالب نهادهای مدرن، از رمزارایی‌های بانک مرکزی تا مالیات بر مانده‌های پولی، بازخوانی شود. گذار به پول مطلوب، نه یک آرمان دور از دسترس، بلکه یک برنامه نهادی تدریجی است که نیازمند درک ریشه‌ای چالش‌ها، پرهیز از راه‌حل‌های صوری، و توجه به هزینه‌های تعدیل است. اگر این مسیر با دقت و انسجام طی شود، می‌تواند الگویی جایگزین برای سازمان‌دهی پول در اقتصاد معاصر عرضه کند؛ الگویی که در آن، پول به جای آنکه ابزار رانت و بدهی باشد، ابزار گردش و آبادانی است.

 	آگهی فقدان سند مالکیت	
 	نظر به اینکه آقای محمود رضا -مسعود- سعید-حسین-مهدی محسن شهرت همگی قلمیان مشهدی برابر وکالت شماره ۳۰۸۶۴ مورخ ۱۳۰۵/۰۵/۲۷ دفتر خانه شماره ۲۲۶ شهرستان مشهد به آقای حسن بهروان فر و آقای امیر محمد فدائی زهان بااستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سندمالکیت سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یکباب منزل و به شماره پلاک از ۱۰ فرعی از۵۹۵۷اصلی بخش ۲مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل انگاری مفقودگردیده است. با بررسی دفتراملاک معلوم شد سه دانگ مشاع از شش‌دانگ دانگ مالکیت آقای علی خزاعی ذیل شماره دفتراملاک ۲۸ صفحه ۵۷۴ شماره ثبت ۲۲۴۹ ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی صادر گردیده سپس برابر سند شماره قطعی ۱۸۷۲۲ مورخ ۱۳۰۲/۱۲/۱۳ دفتر خانه ۸۰مشهد به نام آقای محمود رضا -مسعود- سعید- حسین- مهدی -محسن شهرت همگی قلمیان مشهدی قرار گرفته استسنتگاهی ومندکرز میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد ،بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به بیوست اصل سند مالکیت باسند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید.بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی ، نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.م الف:۵۴۰۰۰۵۴۰۰۰	
 	هادی نیکوفکر -مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک مشهد-	

مفقودی

برگ سبز و سند کمپانیسواری سیستم: پراید ، تیپ: جی تی ایکس ای ،مدل: ۱۳۸۳ ،به شماره موتور: ۰۰۹۷۸۷۴۸ ، شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۳۳۵۷۷۹۸ ، پلاک ایران ۹۱-۳۹۹د ۹۸ بنام خانم لیلا کرمی پیر اقوم مفقود و از در جه اعتبار ساقط گردیده است.